

## هند و امنیت همه‌جانبه در پرتو استراتژی همکاری جویی چندگانه

(واکاوی دلایل و روندها)

۲- مرتضی اسمعیلی

۱- فریبرز ارغوانی پیرسلامی

### چکیده

هدف اصلی این مقاله واکاوی دلایل و نشان دادن روندهای مرتبط با تلاش‌های هند برای تامین امنیت همه‌جانبه در پرتو همکاری جویی چندگانه است. پایان جنگ سرد شرایطی را به وجود آورد که الزامات و ضرورت‌های حاکم بر جوامع به ویژه سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور با تحول مواجهه شود. در این راستا، قدرت‌های نوظهوری چون هندوستان در راستای تامین منافع ملی و ارتقای امنیت از سمت نوعی ایدئولوژی‌گرایی به رویکردی مبتنی بر همکاری جویی چندجانبه حرکت کردند. این مقاله با طرح این سوال که چرا استراتژی هند برای تامین امنیت همه‌جانبه و ارتقای منافع ملی در سال‌های اخیر با این تغییر مواجه شده است؟ و مهم‌ترین نمودهای عینی آن کدام‌اند؟ با اتکا بر روش توصیفی-تبیینی این فرضیه را مطرح می‌کند که این تغییر متأثر از دو دسته عوامل سطح داخلی و سیستمی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در سطح داخلی مولفه‌هایی همچون خواست ملی برای ایفای نقش به‌مثابه قدرت بزرگ، کاهش اثرگذاری ایدئولوژی و ذهنیت نخبگان جدید موثر بوده و در سطح سیستمیک نیز می‌توان به عواملی مانند پایان جنگ سرد، ارزش‌های دموکراتیک و ظهور چین اشاره کرد. توسعه روابط همکاری‌جویانه هند به صورت همزمان با چین، امریکا، پاکستان و همسایگان نمودهای عینی این تحول به شمار می‌روند.

**کلید واژه‌ها:** هند، سیاست خارجی، عملگرایی، چین، امریکا.

۱- استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) Email: [farghavani@shirazu.ac.ir](mailto:farghavani@shirazu.ac.ir)

۲- استادیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز Email: [mesmaeili@shirazu.ac.ir](mailto:mesmaeili@shirazu.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۲

## ۱- مقدمه

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تحولات و دگرگونی های عمده ای در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وقوع پیوست؛ بطوریکه در وضعیت کنونی به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، روندها و جریانهای شکل دهنده به تعاملات و مناسبات بین المللی به نوعی متأثر از این رخداد و تحولات عظیم ناشی از آن بوده است. در این راستا با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی، سیاست خارجی هند در مسیری کاملاً متفاوت از خط مشی جواهر لعل نهرو قرار گرفت. علیرغم تلاش نهرو برای حاکم کردن نوعی جهانگرایی بر سیاست خارجی هند از طریق ایفای نقشی فعال در منازعات سیاسی پس از جنگ، پیوستن به سازمان ملل متحد و تشریک مساعی در جهت صدور اعلامیه حقوق بشر، با این حال، در این دوره از استقلال هند (۱۹۹۰-۱۹۴۷) شاخص اصلی سیاست خارجی این کشور شامل عدم اتحاد با قدرتهای بزرگ و تلاش برای ائتلاف با کشورهای جهان سوم بود (Westad, 2005:39؛ Sinha, 2012:123). سیاستمداران هند پس از پایان جنگ سرد با در نظر داشتن تجربه تلخ مداخله دیپلماتیک قدرتهای انگلوساکسون در منازعه کشمیر، شروع به مخالفت با تمام تلاش های چندجانبه در راستای افزایش قدرت سازمان ملل متحد (در مسیری متفاوت با جهانگرایی نهرو) کردند. در این بین، تاکید فوق العاده هند بر حاکمیت ملی با ملاحظه مداخلات مکرر و بی امان قدرتهای بزرگ در امور داخلی کشورهای تازه استقلال یافته قابل توجهی به نظر می رسد (Westad, 2005:112؛ جانسیز و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۹).

با مرکزیت یافتن تاکید بر بی طرفی و برابری در ایجاد رژیم های بین المللی در سیاست خارجی هند، این کشور معتقد بود که رژیم های بین المللی از قبیل NPT جهان را به دو دسته «دارا و ندار» در بحث سلاحهای هسته ای تقسیم می کند و افزایش زرادخانه های هسته ای قدرتهای بزرگ بسی خطرناکتر از گسترش سلاحهای کشتار جمعی در بین دیگر کشورها است (Chakraborty, 2013:3-6). همزمان با این امر در این دوره هند ضمن تاکید مطلق بر اقتصاد، برهمبستگی جهان سوم و مخالفت با سلطه غرب یا شمال نیز صحنه می گذاشت. در این راستا و علی رغم حاکمیت نوعی رادیکالیسم و ایدئولوژی گرایی در سیاست خارجی هند در طی دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و نیز سالهای اولیه پس از جنگ سرد - به گونه ای که این کشور با تاکید برهمبستگی جهان سوم و حمایت از کشورهای تازه استقلال یافته برای مقابله با امپریالیسم و استعمار، نقش

خود را به مثابه رهبر و سردمدار کشورهای در حال توسعه و جهان سوم در مخالفت با زیاده خواهی های قدرت های بزرگ تعریف می کرد- در سالهای اخیر و به طور مشخص از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ نوعی گردش به راست و حرکت به سمت عملگرایی و متنوع سازی روابط با دیگر کشورها در سیاست خارجی هند روی داده است، به گونه ای که ضمن حفظ پیوندهای خود با کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، همزمان به بهبود روابط خود با قدرتهای بزرگ و در راس آنها آمریکا و چین پرداخته است.

#### ۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

با توجه به تغییرات حاصل شده در سیاست خارجی هند از یک سو و ظهور این کشور همچون قدرتی حائز اهمیت در عرصه نظام بین المللی از سوی دیگر، نوشتار حاضر پاسخگویی به دو سوال را هدف پژوهشی خود می داند؛

۱- چرا استراتژی هند برای تامین امنیت همه جانبه و ارتقای منافع ملی در سالهای اخیر با این تغییر مواجه شده است؟

۲- نمود های عینی این تغییر راهبردی در سیاست خارجی هند را چگونه می توان نمایاند؟

#### ۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

افزایش نقش فزاینده هند در نظام بین الملل، تاثیرگذاری منطقه ای و عملکرد پیوسته در نهادهای بین المللی در سال های اخیر زمینه جلب توجه بیشتر به جایگاه این کشور و مواضع و تحولات سیاست خارجی آن را مهیا کرده است. با توجه به سوالات فوق الذکر و در راستای جستجوی پاسخی برای آنها، در این مقاله بررسی دو فرضیه با اتکا بر روش توصیفی-تبیینی مد نظر قرار می گیرد؛ اول آنکه این تغییر راهبردی در سیاست خارجی و امنیتی هند از یک سو تحت تاثیر برخی عوامل داخلی همچون خواست و آرزوی موجود در این کشور برای ایفای نقش جهانی و کاهش اثرگذاری ایدئولوژی بر سیاست خارجی و از سوی دیگر عوامل سیستمیک بوده است. دوم اینکه نمود و تجلی این تغییر راهبردی را می توان در روابط هند با برخی قدرت های بزرگ و همسایگان این کشور مشاهده کرد.

## ۳-۱- پیشینه تحقیق

در باب سیاست خارجی هند در زبان های فارسی و انگلیسی آثار چندی منتشر شده است. دو مقاله «دگرگونی سیاست خارجی هند» نوشته بهرامی مقدم (۱۳۹۳) و «تحول سیاست خارجی هند» اثر جانسیز و دیگران (۱۳۹۵) از جمله اثری هستند که در زبان فارسی تلاش کرده اند تا عمل گرایي موجود در سیاست خارجی هند را نشان دهند. همانند این اثر کتاب *سیاست خارجی هند* نوشته رضا سیمبر (۱۳۹۴) نیز سعی کرده تا نمودهای سیاست خارجی این کشور و به ویژه روابط آن را با سایر قدرت ها نشان دهد. هر سه این اثر با وجود تلاش جدی برای تبیین سیاست خارجی هند عمدتاً به نموده‌ها و وجه عمل گرایانه سیاست خارجی این کشور توجه کرده اند و چندان به دنبال درک ریشه و ابعاد تغییر برنیامده اند. در زبان انگلیسی نیز اشاره به چند اثر قابل توجه است. کتاب *سیاست خارجی هند: گذشته و آینده* اثر سامیت گانگولی (2012) به بررسی ابعاد عملی سیاست خارجی هند در بستر تاریخی و نگاه به آینده می پردازد. با وجود نگاه روایی جالب این اثر تکیه بر ابعاد تاریخی باعث شده تا نگاه تبیینی در این اثر چندان مورد توجه قرار نگیرد. شیشانکار منون (2016) در کتاب *انتخاب ها: درون سیاست گذاری خارجی هند* با تمرکز بر سطوح تصمیم گیری سیاست خارجی هند به نقش سازمان ها و افراد در وقایع مهم سیاست خارجی این کشور مانند توافق هسته ای هند- امریکا در سال ۲۰۰۵ و به کارگیری نیروی نظامی علیه پاکستان در سال ۲۰۰۹ پرداخته و از این جهت صرفاً به فرایند تصمیم گیری توجه می کند. این مقاله با فراتر رفتن از این محورها در بخش نخست ضمن تشریح این استراتژی، ضرورت هایی که این تغییر جهت در سیاست خارجی هند را اجتناب ناپذیر ساخته در دو بخش دلایل درونی و دلایل مربوط به نظام بین الملل بیان می کند. بخش دوم از این مقاله در جهت ارائه شواهدی که دال بر در پیش گرفتن این استراتژی از جانب هند در سال های اخیر باشد روابط این کشور با ایالات متحده امریکا، چین، پاکستان و همسایگان را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

## ۲- همکاری جویی چندگانه؛ راهبرد نوین سیاست خارجی هند

## ۱-۲- راهبرد همکاری جویی چندگانه

استراتژی همکاری جویی چندگانه و متنوع سازی روابط را می توان رویکردی عملگرا و نوعی گردش به راست تفسیر کرد که در این فرآیند کشورها با دور شدن از مواضع ایدئولوژیک و

رادیکال تلاشی می‌کنند تا در راستای تحقق منافع ملی خود و کم‌رنگ کردن اختلافات و تفاوت‌های خود با دیگر کشورها، بر حسب منافع ملی و مقتضیات سیاست خارجی خود با طیف وسیعی از دولت‌ها وارد تعامل - هر چند ممکن است این تعامل و رابطه از عمق چندانی برخوردار نباشد - شوند. این استراتژی که عمدتاً از جانب کشورهای درگیر در فرایند اصلاحات اقتصادی مد نظر قرار می‌گیرد، بدین صورت است که کشورهای مد نظر، رشد و توسعه را محور سیاست خارجی خود قرار می‌دهند و سعی می‌کنند تا فرصت‌ها را غنیمت شمرده و در راستای تحقق امنیت و منافع ملی خود صرف‌نظر از مواضع ایدئولوژیک به نوعی با تمامی کشورهایی که در جهت نیل به منافع ملی کشورهای مجری این استراتژی دارای مزایا و امکاناتی هستند وارد تعامل شده و همچنین طیف گسترده‌ای از اتحادها و پیمان‌ها را با کشورهای مختلف برقرار کنند. کشور هند نیز به خصوص از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد با در پیش گرفتن این نوع استراتژی و اتخاذ نوعی جهت‌گیری عملگراییانه تا حد زیادی از مواضع رادیکال و ایدئولوژیک خود از جمله تاکید بر عملکرد از طریق جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷ و تداوم ارتباط تنگاتنگ با شوروی فاصله گرفته است. بر اساس این استراتژی کشور هند سعی کرده تا ضمن حفظ روابط خود با جهان در حال توسعه و کشورهای جهان سوم به بهبود روابط خود با غرب و در راس آنها کشورهایی چون ایالات متحده آمریکا و چین بپردازد. عملکرد هند در اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۹) پیرامون موضوع گرم شدن کره زمین، نشان دهنده نوعی چرخش در جهان بینی هند بود. تا قبل از این، هند قهرمان ثابت قدم عرصه هنجار سازی جمعی و چند جانبه از طریق فرایندهای دموکراتیک در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود (Mohan, 2010:140). هر چند هند به زودی دریافت که علی‌رغم همراهی اکثریت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اقدامات صورت گرفته در جهت رسیدن به یک دستور کار مطلوب پیرامون اطلاعات و اقتصاد بین‌الملل به جایی نمی‌رسد. ناکامی‌های هند با آغاز به کار شورای امنیت در جهت ایفای نقشی محوری در ایجاد هنجارهای بین‌المللی در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد به اوج خود رسید (Burra & Babu, 2018:16; Dubey, 2004:23). تردید هند نسبت به شورای امنیت در تصمیم این کشور برای یافتن راهی در جهت عضویت در این شورا و همزمان ابراز تاسف و نارضایتی این کشور از ایجاد کنسرتی از قدرتهای بزرگ انعکاس پیدا می‌کرد. با بهبود و گسترش قدرت هند در سراسر دهه اول قرن ۲۱، تضاد بین چند جانبه‌گرایی و شکل‌دهی به گروه‌ها و پیمان‌های کوچکتر به آرامی به نفع دومی حل می‌شد. اگر چه هند جنبش عدم تعهد

و همین طور گروه ۷۷ را ترک نکرد، اما تسلط این سازمانها بر اولویت های سیاست خارجی هند دچار وقفه شد (Mohan, 2010: 140).

با پایان یافتن جنگ سرد، هند ابتدا تقویت جنبش عدم تعهد را از طریق ایجاد گروه ۱۵ در درون آن به منظور رهبری کشورهای در حال توسعه در دستور کار قرار داد. این راهبرد بدون ایجاد تغییری در چارچوب جنبش عدم تعهد راه حل مناسبی برای پیشرفت هند نبود. به این ترتیب هند به آرامی از جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷ فاصله گرفته و به سمت شرق آسیا متمایل شد؛ جایی که هند به دنبال پیوستن به اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN) و دیگر اتحادیه ها در این منطقه بود (Raja Mohan, 2009: 133). در سطح جهانی هند گروه بندی های کوچکتری از جمله ایجاد مثلث استراتژیک با روسیه و چین، انجمن هند، برزیل و افریقای جنوبی (IBSA) اتحاد برزیل، افریقای جنوبی، هند و چین (BASIC) را پیرامون موضوعاتی چون گرم شدن کره زمین و همین طور ایجاد پیمان آسیا - اقیانوسه با عنوان «گروه دموکراتیک» با حضور ایالات متحده امریکا، ژاپن، و استرالیا، را در دستور کار خود قرار داد. فعالیت در قالب چنین انجمنهایی بسیار متفاوت از فعالیت چند جانبه سنتی هند در قالب جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷ بود و بیشتر بر نتایج عملی متمرکز می شد. هم زمان با قدرت یابی هند، این کشور آموخت که با دیگر قدرتهای بزرگ در راستای توسعه ای هنجارهای بین المللی حتی به قیمت به حاشیه رفتن آرزوهای این کشور در راستای همبستگی جهان سوم، به همکاری - اگر نه همکاری همه جانبه - بپردازد. با در نظر گرفتن این سیر تاریخی، سیاست خارجی هند شاهد نوعی فاصله گرفتن از مواضع سنتی این و گرایش به سمت نوعی عملگرایی و اتخاذ استراتژی همکاری جویانه چندگانه است؛ راهبردی که تحت تاثیر عوامل متعددی به رویکرد اصلی سیاست خارجی هند در سال های اخیر تبدیل شده است.

## ۲-۲- ضرورت های اتخاذ استراتژی همکاری جویی چندگانه

تبدیل شدن استراتژی همکاری جویی چندگانه به جهت گیری اصلی و حاکم در سیاست خارجی و امنیتی هند در سال های اخیر تحت تاثیر برخی عوامل قرار داشته است که مهمترین آنها عبارتند از:

### ۲-۲-۱- عوامل درونی در هند

-خواست ملی برای ایفای نقش به مثابه قدرتی بزرگ: عامل اصلی که باعث شده است تا هند

این استراتژی را در پیش بگیرد همانا آرزوی این کشور برای تبدیل شدن به قدرتی بزرگ است (Yuan, 2007: 131). در راستای تحقق این امر هند تاکید ویژه‌ای بر رشد و توسعه‌ی اقتصادی داشته و همین ضرورت رشد اقتصادی در راستای نیل به موقعیت یک قدرت برتر از دیگر عوامل مهمی است که هند را به سمت اتخاذ این استراتژی سوق داده است (Dormandy, 2007:121؛ Menon, 2016:112) در همین راستا بسیاری از تحلیل‌گران اتخاذ استراتژی همکاری جویانه چندگانه و متنوع سازی روابط از سوی هند را عاملی برای تسهیل حرکت این کشور به سمت تبدیل شدن به قدرتی هنجار ساز و عمده در سطح جهانی می‌دانند و همین امر محرک اصلی در کشیده شدن هند به سمت این استراتژی تلقی می‌شود (Dormandy, 2007: 124).

-کاهش اثرگذاری/ایدئولوژی: همانطور که پیشتر اشاره شد با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاستمداران و نخبگان هند رویکردی متفاوت با نهروئیسم در پیش گرفتند؛ به این معنی که اگر چه جواهر لعل نهرو- رهبر هند- بر جهان گرایی و مشارکت در رژیم‌های بین‌المللی تاکید داشت اما این امر از منظر انتقادی و در راستای تغییر وضع موجود تفسیر شده و به همین جهت شاخص اصلی سیاست خارجی هند در دوره نهرو و تا پایان جنگ سرد شامل عدم اتحاد با قدرتهای بزرگ و ائتلاف با کشورهای جهان سوم بود به گونه‌ای که این کشور نقش خود را همچون رهبر کشورهای جهان سوم و در حال توسعه در جهت مقابله با زیاده خواهی‌های قدرتهای بزرگ تعریف می‌کرد اما در سالهای پس از پایان جنگ سرد با ظهور نخبگان جدید (همانند نارندرا مودی)، عرصه سیاست خارجی هند شاهد نوعی تغییر در جهان بینی نهروئیسم و فاصله گیری از مواضع ایدئولوژیک قبلی بوده است؛ به نحوی که نخبگان جدید با محور قرار دادن رشد و توسعه اقتصادی همچون ابزاری در جهت رسیدن به موقعیت یک قدرت برتر جهانی، ائتلاف با قدرتهای بزرگ، کسب تکنولوژی‌های برتر، اتخاذ سیاست درهای باز، حل اختلافات سیاسی با همسایگان خود و کاستن از مواضع ایدئولوژیک در سیاست خارجی خود به منظور بهبود روابط با قدرتهای بزرگ و همین‌طور همسایگان را در دستور کار قرار دادند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۶۶۰)

-ذهنیت نخبگان جدید: ظهور نخبگان جدید در عرصه سیاست خارجی هند و حرکت از نهروئیسم به سمت استراتژی جدید از جمله عوامل مهم داخلی در اتخاذ استراتژی همکاری جویی چندگانه و متنوع سازی روابط می‌باشد، به طوری که آقای پرناب موکر جی (Pernab Mukherjee) وزیر خارجه سابق هند در مقاله‌ای که در روزنامه نشنال هرالد (National Herald) هند و با

عنوان «سیاست خارجی هند - نقشه مسیر برای دهه آتی» (India's Foreign Policy - Route Map for Next Decade) انتشار یافت اشاره می کند که «فکر می کنم که سیاست خارجی هند در رنسانس اقتصادی هند نقش مهمی ایفا خواهد کرد. در حال حاضر برای پیش برد منافع اقتصادی خود تعدادی اهرم های سیاست خارجی همچون فعالیت های سستی بازرگان، مذاکره راجع به مناطق مورد نظر و تجارت آزاد و همچنین مشارکت در محافل چندجانبه وجود دارد. باید مجموعه این اهرم ها را افزایش دهیم و ذهن خود را مجدداً تنظیم کنیم تا رویکرد ما به مناسبات دو جانبه اساساً متناسب با سهم این ارتباط در بهبودی اقتصادی باشد. وظیفه اصلی سیاست خارجی هند همچون همیشه کمک به فرآیند توسعه کشور و استفاده حداکثری از مشارکت بین المللی برای این منظور است». ملاحظه می شود که این ذهنیت دارای عناصری قوی از عملگرایی بوده و با ذهنیت حاکم بر سیاست خارجی هند قبل از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی که دارای مایه های قوی ایدئولوژیک بود، تفاوت اساسی دارد و همین امر حاکی از تغییر ذهنیت و نگرش نخبگان جدید هند همچون عاملی مهم در اتخاذ این استراتژی جدید می باشد. چهل سال جهان بینی ایدئولوژیک متأثر از دوران مبارزه با استعمار منجر به آن شد که این کشور سیاست عدم تعهد نسبت به قدرتهای بزرگ و ائتلاف و اتحاد با جهان سوم را تعقیب کند. جهان بینی نخبگان حاکم بر هند از دهه ۹۰ به بعد که تحت تاثیر رفاه اقتصادی و تولید ثروت بود جهت گیری متفاوتی را برای سیاست خارجی این کشور رقم زده است. به عبارت دیگر، تعریف نخبگان هندی از هویت و منافع این کشور متفاوت شده است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۶۶۲).

## ۲-۲-۲- عوامل مربوط به نظام بین الملل

از جمله عوامل مهم مربوط به نظام بین الملل که در اتخاذ استراتژی جدید در سیاست خارجی هند موثر بوده است به موارد ذیل می توان اشاره داشت:

- *پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی*: با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی بسیاری از کشورهایی که در دوران جنگ سرد در قالب دو اردوگاه شرق و غرب قرار گرفته بودند سازمان سیاسی - اقتصادی جدیدی را پی ریخته و در این راستا با اتخاذ رویکرد چندجانبه گرایانه و اجتناب از تفکرات ایدئولوژیک و یا تعدیل آن از طریق نوعی گردش به راست و حرکت در مسیری پراگماتیستی، مسیر توسعه ای خویش را تنظیم نمودند. کشور هند نیز که در طول دوران



جنگ سرد از حمایت شوروی برخوردار بود، با پایان جنگ سرد و از دست دادن حامی سنتی خود، در مسیری کاملاً متفاوت از تفکر ایدئولوژیک موسوم به نهرونیسم گام گذاشته (Mohan, 2010: 136) و بر حاکمیت ملی خویش و رشد و توسعه اقتصادی کشور تمرکز یافت.

-*ارزش های دموکراتیک*: مقبول واقع شدن ارزش های دموکراتیک در سالهای پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی باعث شد تا هند نیز همچون آمریکا نوعی مسئولیت در جهت بسط ارزش های لیبرال برای خود قائل شود؛ به گونه ای که نخست وزیر هند بیان داشت که «لیبرال دموکراسی ناظم طبیعی جامعه و نهادهای سیاسی در جهان معاصر می باشد». همین امر تاثیر مهمی بر اتخاذ استراتژی همکاری جویی چندگانه و متنوع سازی روابط از سوی هند در سالهای اخیر داشته است به گونه ای که این کشور تلاش های متعددی را در جهت ایجاد نهادهای دموکراتیک در نپال، سریلانکا، بنگلادش و به طور خاص کشور افغانستان انجام داده است. برای مثال هند از سال ۲۰۰۱ تا کنون مبلغی معادل ۱/۳ میلیارد دلار به کشور افغانستان کمک کرده است (Twining and Fontaine, 2011: 195)

-*ظهور چین*: از دیگر عوامل مهم بین المللی که در اتخاذ استراتژی مزبور از سوی هند در سالهای اخیر موثر بوده است، افزایش قدرت چین در ابعاد مختلف از جمله حوزه اقتصاد و ماجراجویی های منطقه ای و بین المللی این کشور است. سیاست خارجی هند در سالهای اخیر به طور سنتی تعدیل نفوذ چین را مد نظر داشته و در این راستا شرکایی را در آسیای جنوب شرقی، آسیای مرکزی، آفریقا، آمریکای لاتین و همین طور در سطح قدرتهای بزرگ نظام بین الملل جستجو می کند (Yuan, 2007: 135؛ Ogden, 2017: 78).

به طور کلی باید عنوان کرد که عوامل داخلی و بین المللی متعددی اتخاذ استراتژی جدید در سیاست خارجی هند را در سالهای پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ضروری ساخته بود که به مهم ترین آنها در دو بخش عوامل داخلی و بین المللی اشاره شد. اگر چه الزامات اقتصادی هند در عصر وابستگی متقابل نیز از عوامل تاثیر گذار در این امر می باشد، اما به نظر می رسد تمامی این موارد در ذیل تغییر نگرش و ذهنیت نخبگان جدید هند قابل تعریف باشد. نمود عینی راهبرد مدنظر نخبگان هند در متنوع سازی روابط و همکاری جویی چندگانه را می توان در روابط آن با برخی کشورها مشاهده کرد.

### ۳- هند و نموده‌های عینی در همکاری جویی چندگانه

همان طور که در بخش نخست این نوشتار اشاره شد، کشور هند در سالهای اخیر ضمن در پیش گرفتن استراتژی همکاری جویانه چندگانه و متنوع سازی روابط با اغلب کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، چین، ژاپن، آسیای جنوب شرقی، میانمار، ویتنام و پاکستان وارد تعامل شده است که این امر در اغلب موارد و درجهتی مخالف با نهر وئیسیم و دارای مایه های قوی عملگرایانه بوده است. ملاحظه می شود که هند نه تنها همچنان روابط خود با کشورهای جهان سوم را حفظ کرده بلکه با کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا و چین نیز به عادی سازی روابط خود پرداخته است. نکته شایان توجه آن که اگرچه کشورهای جهان سوم همچنان جایگاهی در سیاست خارجی هند اشغال کرده اند اما در سالهای اخیر نوعی جابجایی اولویت ها به وقوع پیوسته است، به نحوی که در برخی موارد هند روابط با قدرتهای بزرگ را حتی به قیمت در حاشیه قرار گرفتن کشورهای جهان سوم به پیش برده است. با این حال این کشور در دوران حاکمیت عملگرایی اصول کلی راهبرد متنوع سازی روابط رامطمح نظر داشته و نمود آن در روابط متنوع این کشور قابل مشاهده است.

#### ۳-۱- روابط هند و ایالات متحده آمریکا

روابط هند و آمریکا از زمان استقلال هند در ۱۹۴۷ تا پایان جنگ سرد از پویایی خاصی برخوردار نبود. در این دوره روابط این دو کشور متأثر از بلوک بندی های متصلب شرق و غرب و نزدیکی هند به شوروی از یک سو و قرار گرفتن هند در راس جنبشهای ضد استعماری و جنبش عدم تعهد از سوی دیگر فرصتی را برای نزدیکی دو کشور باقی نمی گذاشت. اما چنان که ذکر شد پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی چونان نقطه عطفی بود که هند و آمریکا در محاسبات استراتژیک یکدیگر نقش روز افزونی پیدا کردند؛ اگر چه نقش آمریکا از قوت بیشتری برخوردار بوده است. فروپاشی شوروی باعث شد تا تکیه گاه سنتی هند در جهان (شوروی) از بین رفته و این کشور مجبور به تغییر در سیاست خارجی خود گردد. همزمان باروی کار آمدن دولتهای توسعه گرا و اقتصاد محور شدن سیاست های کلان، هند تعریف نوینی از روابط خود با غرب به ویژه ایالات متحده ارائه و بر اساس آن سیاست خارجی خود را تنظیم کرد. بر این اساس، روابط با آمریکا پس از پایان جنگ سرد به خصوص از اوایل هزاره جدید روند رو به رشدی را آغاز کرد؛ اگر چه این

روابط به هنگام آزمایش هسته ای هند موقتاً کند شد اما در اواخر دوره کلینتون سرعت گرفت و در دوران بوش به اوج خود رسید. امضای قرار داد هسته ای در دوره دوم بوش روابط دو کشور را وارد همکاریهای استراتژیک کرد و این روند در دوران ریاست جمهوری اوباما و تاکید مشترک بر نقش نهادهای بین المللی و پذیرش اهمیت هند در عرصه بین المللی تقویت شد (Schaffer, 2010: 67-79). در همین راستا مهم ترین حوزه های همکاری دو کشور عبارتند از:

- مساله هسته ای هند: پس از اینکه هند در سال ۱۹۹۸ خود را همچون دولتی دارای سلاح هسته ای معرفی کرد، دهلی نو به آرامی از تاکید بر مفاهیمی چون برابری و عدالت در ایجاد رژیم های بین المللی پیرامون مسائل هسته ای در سیاست خارجی خود فاصله گرفت و بر نقش خود به مثابه یک دولت دارای سلاح هسته ای اما «مستول» تاکید کرد. این امر به نوبه خود منجر به باز شدن باب مذاکره - اگرچه توأم با اکراه - پیرامون موضوع هسته ای در طی سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۸ بین هند و ایالات متحده گردید. براساس توافق صورت گرفته هند برنامه هسته ای نظامی و غیرنظامی خود را از یکدیگر تفکیک نموده و برنامه های نظامی خود را تحت نظارت بین المللی قرارداد، و حمایت گسترده و قوی از پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای را در ازای دست یابی به بازارهای تجاری هسته ای در پیش گرفت. این امر به مثابه ی نوعی گردش به راست و دور شدن از مواضع ضد آمریکایی پیشین بود (Mohan, 2010; 141)؛ چنانکه در این راستا از نظر مقامات آمریکایی درونی شدن ارزش های دموکراتیک در هند باتکیه بر مبانی صلح دموکراتیک مهمترین عامل اعتمادبخش در روابط هسته ای با هند بود (Hayes 2009: 980). شاید بتوان مهم ترین اتفاق در روابط هند و ایالات متحده در دوره جدید را موافقت نامه هسته ای غیرنظامی هند - آمریکا دانست. این موافقتنامه در ۲۷ ژوئن سال ۲۰۰۶ بین مان موهان سینگ و جرج بوش رئیس جمهور سابق آمریکا به امضا رسید. بر این اساس آمریکا امکان دستیابی هند به فناوری هسته ای غیرنظامی و سوخت هسته ای در ازای بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی از نیروگاه های هسته ای هند را فراهم می کند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۶۶۸)

- نظم موجود بین المللی: از دیگر نشانه های مهم که نشان از تحول در سیاست خارجی هند و بهبود روابط با آمریکا می باشد، به رسمیت شناختن نیاز به دفاع از نظم موجود بین المللی علیرغم ناعادلانه بودن و یا مغایر بودن با خواست گذشته این کشور است که این

امر خود را در رای مخالف هند علیه ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی به تناوب نشان می دهد (Schaffer, 2010: 29). حتی این امر در داخل هند منجر به پاره ای انتقادات شد، مبنی بر اینکه هند تحت فشار ایالات متحده آمریکا، استقلال عملی خود را خدشه دار کرده است (Hayes, 2009: 987).

-/ ارزش های دموکراتیک: تاکید بسیار زیاد هند و ایالات متحده آمریکا در سالهای اخیر بر ارزشهای دموکراتیک شاهدهی دیگر بر نزدیکی مواضع این دو کشور است. هند امروزه خود را مترقی ترین دموکراسی بازار آزاد بویژه در جهان غیر غربی معرفی می کند و حتی خواهان ایجاد «جامعه دموکراسی های در حال رشد» در منطقه آسیای جنوبی است. در همین راستا نخست وزیر سابق هند لیبرال دموکراسی را ناظم طبیعی جامعه و نهادهای سیاسی در جهان معاصر معرفی کرد (Twining and Fontaine, 2007: 195).

-همکاری فراگیر در دریاها: از دیگر علائم تغییر رویکرد هند و ایالات متحده پیرامون روابط با یکدیگر همکاری استراتژیک دو کشور درباره دریاهای آزاد است. قرارداد مبادلات دریایی بین دو کشور به طور آزمایشی در اواخر دهه ۱۹۸۰ منعقد شد و از اوایل دهه ۱۹۹۰ با اشتیاق خاصی دنبال شد. ایالات متحده آمریکا، پس از آزمایش های هسته ای دهلی نو، قرارداد نظامی خود با هند را در ماه می ۱۹۹۸ به حالت تعلیق در آورد، اما این امر در سال ۲۰۰۱ مجدداً به عنوان بخشی از استراتژی دولت بوش از سر گرفته شد (Mohan, 2010: 142). همکاری های دو کشور در امور دریایی در دهه اول قرن ۲۱ شامل؛ حمایت نیروی دریایی هند از عملیات امریکا در افغانستان در سال ۲۰۰۲ و همکاری هند با توکیو و واشنگتن در حادثه سونامی برای عملیات امداد رسانی در اقیانوس هند در اواخر سال ۲۰۰۴ می باشد. همکاری در امور دریایی بخش عمده ای از توافق نامه همکاری هند - ایالات متحده در ژوئن ۲۰۰۵ بود و در جریان بازدید جرج بوش از هند در مارس ۲۰۰۶ چهارچوب همکاری های امنیتی دو کشور در امور دریایی اعلام شد. همچنین هند در سال ۲۰۰۸ نشست پیرامون نیروی دریایی اقیانوس هند با حضور سران نیروی دریایی از کشورهای مختلف برگزار کرد. به طور کلی رویکرد هند در فاصله گیری از تاکید گذشته خود بر حاکمیت ملی را می توان در ذیل استراتژی دریایی کنونی این کشور با عنوان «آزادی استفاده از دریاها» (Freedom to Use the Seas) مشاهده کرد (National Research

Council, 2009:17). علاوه بر حوزه های مورد اشاره کلان، همکاری های هند و ایالات متحده را در برخی موضوعات دیگر همچون مساعدت به دموکراسی، کمک های توسعه ای، اشتراک نظر در آزادی مطبوعات و اینترنت، نهادسازی در خاورمیانه، همکاری های امنیتی در آسیا و اشتیاق هند به مشارکت فعالانه در موضوعات و مسائل جهانی (Twining and Fontaine, 2011:198-202) حاکی از تاثیر استراتژی همکاری جویی چند گانه و متنوع سازی روابط در بهبود روابط این کشور با ایالات متحده آمریکا است. در نهایت باید عنوان کرد که هند و ایالات متحده آمریکا نسبت به روابط با یکدیگر بسیار محتاط عمل می کنند که این امر تا حد بسیاری ناشی از تجارب قبلی در هر دو کشور نسبت به دیگری است.

### ۲-۳- روابط هند و چین

بهبود روابط چین و هند از دهه ۱۹۹۰ به این سو از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در حالی که برای سالیان متوالی ناظران مسائل امنیتی در هند از چین به عنوان مهم ترین چالش استراتژیک دهلی نو یاد می کردند و پیامدهای جنگ ۱۹۶۲ با چین نیز بر این تفکرات سایه انداخته بود دیدگاه سیاست گذاران چینی نیز در قبال هند، ترکیبی از بی اعتمادی و بدبینی بود و بر همین مبنا، هنگامی که هند آزمایش های هسته ای خود در سال ۱۹۹۸ را بر مبنای تهدید چین توجیه کرد، پکن به شدت بر آشفته شد. پس از انجام این آزمایشات، پکن نه به دلیل نفس عمل بلکه به دلیل این اظهارات خصمانه دهلی شدیداً رنجیده خاطر شد (Yuan, 2007:132). با این وجود از دهه ۱۹۹۰ به این سو، به ویژه در طول یک دهه گذشته علی رغم مسائل متعدد استراتژیک، اختلافات مرزی و رقابت اقتصادی روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین این دو کشور شاهد رشد روزافزونی بوده است.

قبل از انجام آزمایشات هسته ای هند و در سال ۱۹۹۳ و همین طور در سال ۱۹۹۶، چین و هند دو موافقتنامه مهم را در جهت کاهش منازعات و حفظ صلح در امتداد خطوط مرزی هیمالیا امضا کردند و در همین راستا رهبر ارتش آزادیبخش خلق چین تنها یک ماه قبل از انجام این آزمایشات به منظور توسعه روابط بین نیروهای نظامی دو طرف از هند دیدار کرد (Haisheng, 1998:4).

علی رغم این که چین به دنبال اظهارات مقامات هند پس از انجام آزمایشات هسته ای به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد، اما دو طرف به زودی اعلام کردند که چین و هند همدیگر را همچون دشمن تلقی نکرده و به دنبال راه حلی برای پایان دادن به اختلافات هستند (Garver, 2001:879-880). متعاقب این اظهارات و دیدارهای متعدد بین سران دو کشور، کار گروه مشترک (Joint Working Group) چین و هند جلسات معمول خود را در آوریل ۱۹۹۹ از سر گرفت.

در نوامبر ۲۰۰۱ چین و هند برای اولین بار نقشه خطوط مرزی مورد اختلاف را رد و بدل کردند. به پیشنهاد رئیس جمهور چین - جیانگ زمین - و همتای هندی اش در سپتامبر ۲۰۰۱ نخستین گردهمایی دیپلمات ها، محققان، دانشمندان و دیگر اشخاص سرشناس دو کشور در دهلی برگزار شد که طی آن پیشنهادهای در مورد چگونگی بهبود روابط دو جانبه و موضوعات دیگر ارائه شد (Yuan, 2007:133) و در همین راستا سفرهای متعددی در سطح سران بین دو کشور صورت گرفت. دیدار نخست وزیر هند از چین در ژوئن ۲۰۰۳ باعث شد تا دو طرف در بسیاری از موضوعات دو جانبه، منطقه ای و جهانی به اجماع نظر برسند (Yuan, 2007:135).

در مورد اختلافات مرزی نیز دو کشور خواهان ایجاد چارچوبی برای توافقات اصولی و تشکیل جلسات برای مذاکره پیرامون این امر شدند. این اقدام بازتاب این واقعیت بود که رسیدن به سطح قابل قبولی از روابط دو جانبه نیازمند حل نهایی و رضایت بخش اختلافات مرزی می باشد (Yuan, 2007:134).

این دیدار منجر به تقویت روابط تجاری دو جانبه بین چین و هند شد به طوری که از این زمان به بعد روابط تجاری بین این دو کشور سالانه معادل ۷/۶ میلیارد دلار افزایش یافت. روابط تجاری بین دو کشور از کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار در اوایل دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ ارتقا یافته و اینک چین دومین شریک تجاری هند می باشد (سبحانی، ۱۳۸۹: ۶۷۰). همچنین دو کشور موافقتنامه های زیادی را در بخشهای تکنولوژی ارتباطات، مسافرت، تجارت و سرمایه گذاری امضا کردند.

دو سال بعد در اوایل ۲۰۰۵ در پی دیدار ون جیابائو - نخست وزیر چین - از هند دو کشور با صدور بیانیه ای روابط خود را به عنوان «همکاری استراتژیک و مشارکت برای

صلح و رفاه» (Strategic and Cooperative Partnership for Peace and Prosperity) توصیف کردند (people's daily online, 2005). این دیدارها پیامدهای بسیاری در حوزه های مختلف به ارمغان آورد. متعاقب این امر سطح تجارت بین دو کشور از ۱۱۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ به ۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. در جولای ۲۰۰۶ دو کشور گذرگاه تاریخی نادالا (Nathu La) را که از زمان جنگ بین دو کشور در ۱۹۶۲ بسته شده بود، به منظور افزایش سطح تجارت دو جانبه مجدداً بازگشایی کردند (Yuan, 2007:134). در طی سال های بعد از ۲۰۰۶ دو کشور چارچوبی را به منظور ارتقای مبادلات میان وزارتخانه های دفاع و نیروهای مسلح، نشست های دفاعی سالانه، انجام مانورهای نظامی مشترک، برنامه های آموزشی در زمینه های عملیات های شناسایی و تجارت، مبارزه با تروریسم و دزدی دریایی و ساز و کاری برای تبادل مقامات در جهت انجام سفرهای مطالعاتی و برگزاری سمینارها ایجاد کردند (Ogden, 2017:101-106).

مجموعه مطالب فوق حاکی از تغییر رویکرد سیاست خارجی هند در قبال چین و بهبود روابط دو کشور در سالهای پس از دهه ۱۹۹۰ و به طور مشخص در طی یک دهه گذشته است. اما نکته شایان توجه این است که اگر چه هر دو کشور در جهت بهبود روابط گام برداشته اند اما در این میان باید تلاش هند در این مسیر را افزون تر در نظر گرفت چرا که «استراتژی هند به طور ضمنی همواره نیاز به تعدیل نفوذ چین در سطوح جهانی، منطقه ای و نیز در میان همسایگان هند را» مدنظر داشته است (Yuan, 2007:135). از سوی دیگر باید این نکته را نیز همواره مدنظر قرارداد که دستیابی به ثبات در روابط بین چین و هند، نیازمند مدیریت هوشمندانه مثلث چین- پاکستان- هند است.

### ۳-۳- روابط هند و پاکستان

اختلافات دیرینه هند و پاکستان که باعث وقوع چندین جنگ بین دو کشور شده است- از جمله اختلاف بین دو کشور در قضیه کشمیر از سال ۱۹۸۹ به بعد- از یک سو، و اهمیت پاکستان به دلیل روابط این کشور با چین و ایالات متحده آمریکا و همین طور پیشگامی این کشور در بحث بنیادگرایی اسلامی و نگرانی هند از این مسئله از سوی دیگر، باعث شده است تا روابط این کشور با هند مستقل از سایر همسایگان شاهدهی قوی بر تغییر

ذهنیت و نگرش حاکم بر سیاست خارجی هند و اتخاذ استراتژی همکاری جویی چند گانه و متنوع سازی روابط پس از پایان جنگ سرد و خصوصاً در یک دهه گذشته، تلقی شود. همان طور که قبلاً ذکر شد کشور هند انجام آزمایشات هسته ای خود را نیز براساس این ادعا که چین از برنامه هسته ای پاکستان حمایت می کند، توجیه می کرد و بسیاری از تحلیلگران معتقدند که دستیابی به روابط با ثبات بین هند و چین تا حد زیادی منوط به مدیریت روابط بین مثلث چین - هند و پاکستان می باشد. از این رو اقدام هند در بهبود روابط با پاکستان در سالهای اخیر از سویی نشانگر تغییر رویکرد حاکم بر سیاست خارجی این کشور و از سوی دیگر نمایانگر این امر می باشد که ضرورت های رشد اقتصادی و آرزوی تبدیل شدن به قدرتی جهانی هند را به سمت نوعی عملگرایی و در این راستا بهبود روابط خود با تمامی کشورها - حتی کشورهای با پیشینه تخاصمی شدید - سوق داده است.

روابط هند و پاکستان در سال های اخیر دستخوش تغییرات اساسی شده است. حمله سال ۱۹۹۹ پاکستان به کشمیر روابط را به شدت تیره ساخت. در واکنش به این امر دولت هند اقدام به بسیج تقریباً ۲۰۰/۰۰۰ سرباز نمود تا جایی که امکان وقوع یک جنگ هسته ای بین دو کشور در صورت عدم انجام اقداماتی از سوی جامعه بین المللی دور از ذهن نبود (Dormandg, 2007:120) و همین امر دو طرف را ناگزیر از انجام گفتگوهایی نمود. این گفتگوها اگرچه به نتایج اندکی منجر شد اما در نوع خود و با توجه به پیشینه روابط دو کشور موفقیت های بزرگی را موجب شد. از جمله این موفقیتها که موجب بهبود روابط بین دو کشور گردیده است می توان به توافق پیرامون برگزاری مسابقات کریکت بین دو کشور، ارتباطات نظامی و همچنین راه اندازی گذرگاههای مرزی بین دو کشور که منجر به رفت و آمد اتوبوس و قطارها شده است، اشاره کرد (Dormandg, 2007 : 120).

بسیاری در هند بر این باورند که از سال ۲۰۰۷ به بعد در بسیاری از موضوعات همچون اختلافات مرزی در منطقه کشمیر پیشرفت های بسیاری در روابط بین دو کشور هند و پاکستان صورت گرفته است. شاید در نگاه اول و در مقایسه با بهبود روابط بین هند و آمریکا از یکسو و هند و چین از سوی دیگر، توافقات و پیشرفت های صورت گرفته در



روابط هند و پاکستان بسیار جزئی و سطحی نگریسته شود اما باید توجه داشت که همین میزان بهبود روابط نیز بین دو کشوری که بارها با یکدیگر وارد جنگ شده اند نشان از موفقیت‌های بزرگ و تغییرات اساسی در رویکرد دو کشور در سیاست خارجی دارد که در این بین به نظر می‌رسد که اتخاذ استراتژی جدید از جانب هند، سهم اساسی تری را در بهبود روابط ایفا می‌کند.

#### ۴-۳- روابط هند و دیگر همسایگان

در کنار بهبود روابط هند با چین، ایالات متحده آمریکا و همین‌طور پاکستان، شاهد تلاش‌های وسیعی در حوزه‌های متعدد از سوی این کشور در جهت بهبود مناسبات در کشورهای همسایه خود اعم از دور و نزدیک می‌باشیم که در ذیل تلاش می‌شود تا به مهم‌ترین اقدامات این کشور در ایجاد محیطی امن در پیرامون خود اشاره شود. آنچه قبل از ذکر این اقدامات باید مورد توجه این است که تمامی این تلاش‌ها نشئت گرفته از تمایل هند برای ایفای نقش جهانی و قائل بودن نوعی مسئولیت در زمینه‌های سازشی و بسط و توسعه دموکراسی برای خود می‌باشد. هند امروزه خود را مترقی‌ترین دموکراسی بازار آزاد معرفی می‌کند و از سوی دیگر با توجه به اینکه خود را همچون ایالات متحده کشوری منحصر به فرد می‌داند که توانسته است تنوعی از اقوام و گروه‌ها را در خود جای دهد، خواهان ایفای نقشی فعال در عرصه جهانی، منطقه‌ای و در کشورهای همسایه خود می‌باشد و تمامی این موارد را باید در چارچوب تغییر ذهنیت و نگرش حاکم بر نخبگان و سیاست خارجی این کشور و نیز اتخاذ استراتژی جدید فوق‌الذکر مورد ملاحظه قرار داد.

در این راستا هند برای ایجاد و تقویت نهادهای دموکراتیک در کشورهای نپال، سریلانکا، بنگلادش، میانمار، ویتنام و به ویژه افغانستان تلاش‌های مضاعفی انجام داده است. هند چهارمین کشور اهدا کننده کمک به افغانستان بوده است به طوری که از سال ۲۰۰۱ تاکنون بالغ بر ۱/۳ میلیارد دلار به این کشور کمک کرده است. علاوه بر این امر هند در امر آموزش شهروندان افغان، ساخت پارلمان افغانستان، ایجاد زیرساخت‌های این کشور و حمایت از برگزاری انتخابات در این کشور سرمایه‌گذاری کرده است (Twining)

(and Fontaine, 2011:195). از سوی دیگر اگرچه هند علاقمند نیست که در همسایگی اش کشور هسته ای دیگری وجود داشته باشد اما با این وجود طرز رفتار این کشور در قبال برخی کشورها همچون ایران بسیار متفاوت از آمریکا می باشد. اگرچه هند بارها علیه ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی رای داده است اما وجود مولفه هایی چون مجاورت جغرافیایی، پیوندهای تمدنی، تجاری و انرژی باعث شده است تا هند مخالفت خود را با تحریم های بین المللی علیه ایران صریحاً اعلام کند. از سوی دیگر هند کمک های متعددی را علاوه بر افغانستان به کشورهایی چون پاکستان در زلزله سال ۲۰۰۵ و در سونامی سال ۲۰۰۴ به کشورهایی آسیایی انجام داده است (Dormandy, 2007:119) دهلی نو همچنان به بهبود روابط خود با تمامی همسایگانش از بزرگ و کوچک ادامه می دهد. هند در کنار ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۵ در جهت برقراری دموکراسی در نپال اقدام کرد و همین طور تلاش هایی نیز به منظور حفظ صلح در سریلانکا انجام داده است.

همان طور که قبلاً ذکر شد تمامی این موارد را می توان در راستای تغییر رویکرد حاکم بر سیاست خارجی این کشور و تلاش برای ایفای نقشی فعال همچون یک قدرت جهانی در نظام بین الملل، تفسیر کرد.

#### ۴- نتیجه

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی، تحولات و دگرگونی های عمده ای در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وقوع پیوست و شرایطی را به وجود آورد که کشورها نیز متناسب با این تحولات محیطی و ورودی های نوین آن از یکسو و الزامات و ضرورت های داخلی جوامع خود از سوی دیگر رویکردهای جدید را در عرصه سیاست خارجی طراحی و تعقیب نمایند. اگر در عصر جنگ سرد داشتن مواضع ایدئولوژیک و متصلب و حفظ بقا و موجودیت سرزمینی برای کشورها حائز اهمیت فراوان بود، در دوران جدید ساختار نظام بین الملل و ضرورت های اقتصادی و ایفای نقش فعال

در موضوعات و حوزه های مختلف، کشورها را واداشت تا درک و شناخت قبلی خود را مورد بازبینی قرار داده و آن را تعدیل و حتی در مواردی متحول کنند. در همین راستا، در دوران بعد از جنگ سرد سیاست خارجی هند شاهد تغییرات عمده و دور شدن از مواضع ایدئولوژیک و رادیکال پیشین این کشور است. اگر در دوران پیشین هندوستان خود را پیشگام کشورهای جهان سوم در مبارزه با امپریالیسم و استعمار معرفی می نمود و تلاش داشت تا با ایجاد یکپارچگی در میان کشورهای جهان سوم از طریق نقد و تغییر نظام بین الملل به مقابله با زیاده خواهی های قدرتهای بزرگ پردازد در دوران جدید همزمان با حاکمیت نخبگان جدید بر این کشور و الزامات اقتصاد در حال رشد خود، با در پیش گرفتن استراتژی همکاری جویی چند گانه و تنوع بخشی به روابط خود با دیگر کشورها، عملگرایی و حاکمیت منافع ملی را در سیاست خارجی خود محور قرار دهد. در راستای این تغییرات، این کشور تلاش نمود تا ضمن حفظ پیوند خود با کشورهای جهان سومی و در حال توسعه، همزمان با جهان غرب و در راس آنها آمریکا به عادی سازی روابط خود پرداخته و حتی به تشریک مساعی با این کشور در موضوعات و حوزه های مختلف پردازد.

علاوه بر این هند با اتخاذ این استراتژی به روابط خود با چین، پاکستان و سایر همسایگانش اعم از کوچک و بزرگ و دور یا نزدیک نیز بهبود بخشید تا از این طریق ضمن ایجاد محیطی امن در پیرامون خود و همین طور تعدیل قدرت جهانی و منطقه ای چین، بستر مساعدی را نیز برای رشد اقتصادی و رفاه شهروندان خود فراهم آورد. شاید در نگاه اول این استراتژی توأم با نوعی تناقض جلوه نماید، اما بررسی عمیق آن نشان می دهد که این رویکرد جدید به مثابه ی نوعی جا به جایی اولویتها برای هند است. به گونه ای که اگر در دوران پیش از فروپاشی شوروی این کشور اولویت خود را در همبستگی با جهان سوم معرفی می کرد اما در دوران جدید اولویت خود را به نوعی در همراهی با قدرتهای بزرگی چون آمریکا و چین و ایفای نقش در موضوعات و حوزه های مختلف جستجو می کند. از سوی دیگر این تغییر رویکرد را نباید به معنای قطع روابط هند با کشورهای جهان سوم و در حال توسعه دانست، بالعکس مواردی چون مخالفت با تحریم های بین المللی علیه ج. ا. ا و روابط اقتصادی گسترده با آفریقا و تلاش برای نهاده سازی

در کشورهایی چون افغانستان، برمه، ویتنام، بنگلادش نشان می دهد که این کشور منافع ملی خود را در همراهی با هر دو اردوگاه (کشورهای جهان غرب و جهان سوم) اما با تغییر اولویت از یکی به سمت دیگری جستجو می کند. در عین حال باید توجه داشت که موفقیت این رویکرد در سیاست خارجی هند تا حد زیادی وابسته به حل منازعات مرزی خود با چین و پاکستان، متقاعد سازی آمریکا مبنی بر اینکه هند کشوری «ذینفع اما مسئول» در عرصه بین المللی و نیز مدیریت ظریف و هوشمندانه مثلث هند - چین - پاکستان است.

#### ۵- منابع

- ۱- بهرامی مقدم، سجاد، دگرگونی سیاست خارجی هند: از جهان سوم گرایی به عمل گرایی اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ۴، صص ۱۹۶-۱۶۱، زمستان ۱۳۹۳.
- ۲- جانسیز، احمد و دیگران، تحول سیاست خارجی هند (در عمل گرایی اقتصادی دولت های عضو شورای همکاری خلیج فارس)، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۵۰-۲۵، پاییز ۱۳۹۵.
- ۳- سبحانی، مهدی، رفتارشناسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی هند، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۴، صص ۶۷۶ - ۶۵۵، پاییز ۱۳۸۹.
- ۴- سیمبر، رضا و دیگران، سیاست خارجی هند، رشت: اداره انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۹۴.
- 4- Bahramimoghdam, Sajad, **India Foreign Policy Transformation: From Third Worldism to Economic Pragmatism**, Strategic Studies, 17, 4, pp.161-169, Winter 2014. (In Persian)
- 5- Bura, Sirinivas & Babu, Rajesh R. **Locating India in the Contemporary International Legal Order**, Springer, 2017.
- 6- Chakraborty, Chandreyee, **India Nuclear Diplomacy and the Non-Proliferation Regime**, The Centre for Air Power Studies, Kalpana Shukla, 2013.
- 7- Dormandy, Xenia, **Is India, or Will it be, A Responsible International Stakeholder?**, The Washington Quarterly, 30: 3, pp. 117 – 130, 2007.

- 8- Dubey, Muchkund, **Multilateralism Desieged**, Geneva, South Centre Geneva, 2004.
- 9- Ganguly, Sumit, **India's Foreign Policy: Retrospect and Prospect**, Oxford University Press, 2012.
- 10-Garver, W.John, **The Restoration of Sino-Indian Comity Following India's Nuclear Tests**, *China Quarterly*, No .168,pp.865-889, 2001.
- 11-Green, Michael, j & Bates Gill, eds, **Asia's New Multilateralism: Cooperation, Competition and the Search for Community**,New York: Colombia University Press, 2009.
- 12-Haisheng. **What Is Fernandez Up to**,Jiefang Junbao, 1998.
- 13- Hayes,Jarrold, **Identity and Securitization in the Democratic Peace:The United States and the Divergence of Responses to India and Iran s Nuclear Programs**. *International Studies Quarterly*,53,pp.977-999, 2009.
- 14- Hogan, M.ed. **The End of the Cold War,Its Meaning and Implication**, Cambridge University Press, 1997.
- 15- Jansiz, Ahmad and et al, **India Foreign Policy Transformation**, *Journal of Subcontinent Researches*, 7, 27, pp.25-50, Fall 2016. (In Persian)
- 16- Menon, Shivshankar, **Choices: Inside the Making of India's Foreign Policy**, Brookings Institution Press , 2016.
- 17- Mohan,C.Raja, **India and the Asian Security Architecture**, in Michael J. Green and Bated Gill (eds) **Asia s Multilateralism**, New York: Colombia University Press, 2009.
- 18- National Research Council, **Maritime Security Partnerships**, National Academies Press, 2009.
- 19- Ogden, Chris, **China and India: Asia's Emergent Great Powers**, Poility, 2017.
- 20- Paul, T.V, **The Systemic Bases of India's Challenge to the Global Nuclear Order**, *The Nonproliferation Review*, 6, No, PP.1-11, 1998.
- 21- People's Daily Online (2005) "China, India Issue Joint statement on Establishing'strategic and cooperative partnership", April 13, 2005, <http://www.english.people.com.cn/200504/13/eng20050413-180682.html>.
- 22- Raja Mohan, C, **Rising India:Partner in Shaping the Global Commons?**, *The Washington Quarterly*, 33.3. pp. 133 – 148, 2010.
- 23- Schaffer, Teresita c. **India and the United States in the 21st Century : Reinventing Partnership**, India Research Press, 2010.

- 24- Simbar, Reza and et al, **India Foreign Policy**, Rasht: Guilan University, 2015. (In Persian)
- 25- Sinha, Aseema, **A Story of Four Revelutions: Mechanisms of Change in China**, Asia Policy, 14, 1, pp.122-126, 2012.
- 26- Sobhani, Mahdi, **New Attitudes in india Foreign Policy**, Foreign Policy Journal, 24, pp 655-676, Fall 2010. (In Persian)
- 27- Twining, Daniel and Fontaine, Richard, **The Ties That Bind? U.S. Indian Values – Based Cooperation**, The Washington Quarterly, 34:2, pp. 193 – 205, 2011.
- 28- Westad, Ame, **The Global Cold war: Third World Interventions the Making of Our Times** , UK: Cambridge University Press, 2005.
- 29- Yuan , Jing – Dong, **The Dragon and the Elephant: Chinese – Indian Relations in the 21<sup>st</sup> Centry**, The Washigton Quarterly, 30:3,pp. 131 – 144, 2007.